

تحلیلی بر قابلیت‌های کالبدی-کارکردی شهر سنندج با تاکید بر پیوندهای شهر و روستا

دکتر رحمت بهرامی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۵/۲۰

تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۰۷/۲۰

چکیده

امروزه دو پدیده شهر با روستا، مجزا از یکدیگر نیستند، بلکه به صورت یک سیستم در یک فضای جغرافیایی خاص قابل طرح هستند. پویایی یک سازمان فضایی، متأثر از نقش و کارکردهای سکونتگاه‌های شهری و روستایی و همچنین روابط، مناسبات و پیوندهای بین شهرها و روستاها می‌باشد، که به وسیله جریان افراد، کالاها، پول، اطلاعات و الگوهای متنوع شغلی انجام می‌پذیرد. پژوهش با هدف بررسی قابلیت‌های کالبدی و کارکردی با تاکید پیوندهای شهر و روستا در مورد شهر سنندج انجام گرفته است. روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی، برای تبیین روابط شهر با پیرامون با استفاده از شاخص‌ها در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، اداری - خدماتی و کالبدی استفاده شده و در تحلیل از نرم افزار Spss از طریق محاسبه آزمون‌های کای اسکور، آزمون تی و روش‌های محاسباتی درصدی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج نشان داد عامل اقتصادی با بیشترین ضریب ۶۷ درصد، عامل کالبدی با ضریب ۶۱ درصد کم‌ترین تاثیر در پیوند شهر سنندج با روستاهای پیرامونی خود داشته است. همچنین نتایج نشان داد روستاهایی که فاصله کمتری با شهر سنندج دارند نه تنها از شرایط توپوگرافی همواری برخوردار و پیوند شهر-پیرامون را گسترش داده بلکه محلی برای تمرکز جمعیت مهاجرین روستایی شده است. بدین منظور اهتمام جدی به مدیریت روستاهای پیرامونی، از نظر کالبدی به منظور ساماندهی توسعه فضایی-مکانی آن‌ها، ضرورتی اجتناب ناپذیر است.

واژه‌های کلیدی: روستا، شهر، پیرامون، فضایی، کالبد، سنندج

۱- مقدمه

یکی از ویژگی‌های سکونتگاه‌های انسانی تطور پذیری و پویایی آن است. این پویایی در فضا طی روندهای زمانی به مدد تبدلات، تغییر شکل‌ها و نقل و انتقال‌هایی صورت می‌پذیرد که همواره خود را به صورت جابه جایی جمعیت، جریان کالا، انرژی، اطلاعات و سرمایه نشان می‌دهد (تقیلو و عبدالمهدی، ۱۳۹۲: ۳۰). شواهد نشان می‌دهد که شهرها در کشورهای در حال توسعه نسبت به کشورهای توسعه یافته، بر پیرامون خود (نفوذ حوزه) متکی می‌باشند بویژه اینکه، اکثریت جمعیت این کشورها هنوز در روستاها ساکن هستند. مناسبات متقابل بین شهرها و روستاهای پیرامون بسیار مهم است، زیرا تولیدات مهم روستاها که برای صادرات در نظر گرفته می‌شود، عمدتاً از طریق شهرها صادر می‌شوند. ضمن اینکه شهرها منابع مهم مالی، خدمات و اطلاعات و.. را برای روستاها فراهم می‌سازند و امور مربوط به واردات کالاهای صنعتی و بعضی از نهاده‌های کشاورزی را انجام می‌دهند. بنابراین شهرها برقراری پیوندهای وابسته به هم می‌تواند پایه‌های چرخه مثبت کنش متقابل را شکل دهد (معیدفر و اکبری، ۱۳۸۶: ۷۶). فضاهای شهری به هر اندازه و مقیاس به عنوان یک نظام اقتصادی و اجتماعی دارای یک حوزه نفوذ و عملکرد هستند و حوزه عملکردی آن‌ها معمولاً شامل چندین فضای روستایی می‌گردد (معیدفر و اکبری، ۱۳۸۶: ۷۷). بنابراین شهر و روستا دو پدیده مجزا از یکدیگر نیستند، بلکه به صورت یک سیستم در یک فضای جغرافیایی خاص مطرح هستند (دیوسالار و همکاران، ۱۳۸۹: ۵۸). نادیده گرفتن رابطه شهر با روستا موجب نابرابری و ناکارآمدی روند توسعه فضایی می‌گردد (Sule, 2015:20). از این رو تبیین چشم انداز ارتباطات روستایی-شهری به ویژه در زمینه توسعه اقتصادی پایدار اهمیت دارد (Mayer, Habersetzer and Meili, 2016:1). بنابراین سازمان فضایی، حاصل تعامل درازمدت جوامع انسانی و ساختار طبیعی نواحی است که روستاها و شهرها عناصر اصلی آن را تشکیل می‌دهند. از این رو، پویایی یک سازمان فضایی، متأثر از نقش و کارکردهای سکونتگاه‌های شهری و روستایی و همچنین روابط، مناسبات و پیوندهای بین شهرها و روستاها می‌باشد، که به وسیله جریان افراد، کالاها، پول، اطلاعات و الگوهای متنوع شغلی انجام می‌پذیرد.

امروزه "حیات فضایی شهر به پیرامون آن وابسته است و دوام و پایداری شهر تنها ناشی از درون نیست و چه بسا این نیرو و توان را برون از محدوده و مرز خویش کسب کند (فرید، ۱۳۷۳: ۴۴۳). لازمه این نیروهای داخلی و خارجی توازی است که از طریق برنامه ریزی حاصل می‌گردد. امروزه شهر نه تنها به صورت مجرد و مستقل بلکه همراه با پیرامون (روستاها، اطراف و نواحی اثر گذار تحت نفوذ) مطالعه می‌شود (علی اکبری و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۶).

سکونتگاه‌های روستایی، حاصل از برآیند مجموعه عوامل و نیروهایی چشم انداز طبیعی و فرهنگی هستند و از عوامل تاثیرگذار در روند ناحیه‌ای به شمار می‌آیند و تعاملات این سکونتگاه‌ها با کانون‌های فرا ناحیه ای دائماً در حال تغییر و تحول است (سعیدی، ۱۳۸۴: ۸۴). شهرها دائماً در حال رشد فیزیکی و این رشد از طریق گسترش دامنه فضایی از طریق الحاق زمین‌های اطراف شهری شکل می‌گیرد. "ادغام یا

الحاق عرصه‌های پیرامونی شهرها، به ویژه حوزه‌های کلانشهری، در پی الزامات زمانی و نحوه و روند تصمیم‌سازیهای مراجع رسمی و یا نهادهای متولی مدیریت شهری در قالب محدوده شهری یا کلانشهری اتفاق افتاده و آن را "گسترش رسمی شهر" می‌نامیم. آنچه از این طریق به عنوان رشد بی‌رویه شهر مطرح می‌شود، پدیده‌ای متفاوت از رشد طبیعی این گونه‌کانون‌هاست. به این نوع پدیده و پدیده‌های وابسته به آن، خوردگی، خزش (سعیدی و حسینی، ۱۳۹۰: ۳) و ادغام و یا الحاق شهری گویند (سعیدی و حسینی، ۱۳۹۰: ۱۵). هاملیتون، نبود مدیریت منطقه‌ای برای کلان شهر رابعث گسترش بی‌رویه شهری می‌داند، زیرا شهرداری‌های محلی موجود در منطقه کلان شهری در پی افزایش درآمدهایشان مجوزهای کاربری‌های مختلفی را صادر می‌کنند و تبعاتی همچون تهدید جدی کیفیت زندگی منطقه کلان شهری را به دنبال دارد (Hamiltin, 1999: 285). در مقابل چنین کارکردهای منفی از سوی شهروندان، روستائیان نیز اقدامات مشابهی را نیز انجام می‌دهند، که نتیجه آن چشم‌انداز ناموزون از طریق بدقوارگی در فضای روستا/شهر شکل می‌گیرد. این تحولات به گونه‌ای شکل گرفته که برخی از صاحب‌نظران از آن به عنوان "عمیق‌ترین زیر و روشدگی‌ها، درهم‌ریختن‌ها و تبدیل و تعییرها در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی" یاد می‌کنند (فیروزنیا و همکاران به نقل از ضیا توانا، ۱۳۹۰: ۸۰).

در این میان یکی از مناطق جغرافیایی که روابط میان انسان، فضا و فعالیت‌های آن در منطقه اقتصادی - اجتماعی دارای روابط قوی با روستاهای پیرامون خود می‌باشد، شهر سنندج است. شهر سنندج به عنوان یک مادرشهر منطقه‌ای طی سه دهه اخیر رشد شتابانی هم در افزایش جمعیت و هم در گسترش سطح داشته است. به گونه‌ای که گسترش فضایی پیوسته این شهر طی سه دهه سرشماری اخیر هشت روستا را با تمام زمین‌های زراعی، باغی و مراتع پیرامونشان در بافت خود ادغام کرده است. علاوه بر این، گسترش فضایی منفصل این شهر نیز منجر به تورم جمعیتی و رشد کالبدی روستاهای پیرامونی شده است. به گونه‌ای که جمعیت یازده روستای واقع در حوزه پیرامونی شهر سنندج در دوره مذکور به میزان زیادی افزایش یافته است. و نرخ رشد جمعیت آنها تقریباً دو برابر نرخ رشد جمعیت شهری کشور و شهر سنندج می‌باشد (قادرمرزی، ۱۳۹۰: ۶۲). در ۱۳ محله شهرستان سنندج سکونتگاه‌های غیر رسمی با مساحتی بالغ بر ۱۶۱ هکتار وجود دارد. موج دوم حاشیه‌نشینی در چهار سکونتگاه غیرمجاز روستاهای حاشیه شهر سنندج از جمله نایسر با ۴۰ هزار جمعیت، حسن آباد ۱۵ هزار، نله با ۱۰ هزار و در نهایت گریزه با پنج هزار نفر جمعیت جزء روستاهای شهر شده دارای سکونت‌گاه‌های غیررسمی یا همان بافت فرسوده در سنندج هستند. امروزه بیش از ۵۱ درصد جمعیت شهر سنندج را حاشیه‌نشینان تشکیل می‌دهد (بهرامی، ۱۳۹۰: ۷۵).

روستاهای پیرامونی شهر سنندج که تعداد آن‌ها به بیش از ۱۱ آبادی بوده بطور مستقیم تحت پوشش فضای شهر سنندج قرار دارند که اخیر دو روستای بزرگ حسن آباد و نایسر به دلیل افزایش بیش از حد جمعیت به دو شهر منفصل تبدیل شده‌اند. ویژگی مهم این دو روستا، فاصله کم با شهر سنندج به

عنوان کانونی برای مهاجرین روستایی و دیگر نواحی شهری استان قلمداد می‌گردند. دیگر روستاهای پیرامونی شهر سنندج به دلیل بالا رفتن قیمت زمین در این دو شهر منفصل مورد توجه مهاجرین قرار گرفته‌اند. همین امر موجب رشد ناموزون فیزیکی روستاها از یک طرف و عدم برخورداری از امکانات و خدمات اولیه، از نظر کارکردهای خدماتی روستاها را به شهر شدیداً وابسته کرده است. در کنار چنین شرایطی، سالانه شاهد افزایش جمعیت روستایی از گروه‌های مختلف قومی و زبانی به این روستاها هستیم. بنابراین توسعه شتابان روستاها از نظر کالبدی از یک طرف و افزایش جمعیت آن‌ها، به عنوان چالش مدیریت فضایی شهر سنندج محسوب می‌گردد. از این رو پژوهش حاضر با هدف بررسی روابط متقابل شهر سنندج با روستاهای پیرامونی از ابعاد اقتصادی، اجتماعی، اداری و خدماتی و کالبدی پرداخته است.

۲- مبانی نظری

تحلیل دگرگونی‌های نواحی روستایی به منظور رسیدن به اهداف توسعه روستایی و الزامات آن، مفهوم مهمی است که تعریف اندازه‌گیری و ارزیابی آن بسیار دشوار است (kassioumis et al, 2004:485). اگر مجموعه سکونتگاه‌های انسانی را در یک بستر فضایی به عنوان چشم انداز فرهنگی حاصل از تعامل بین انسان و محیط در نظر بگیریم، در "یک کلیت یکپارچه عوامل و فرایندهای طبیعی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و سیاسی-ایدئولوژیک به صورت متغیرهای مختلف بر یکدیگر" اثر گذاشته‌اند، که این تأثیر و تأثرات به صورت اندام وار و منظم به تأسی از اندیشه بشری سبب پیدایش و استقرار سکونتگاه‌های شهری و روستایی در پهنه‌های مختلف سرزمینی با ارتباطات مختلف گردیده است (سعیدی و مکانیکی، ۱۳۸۷: ۸۴). پیوندهای روستایی - شهری حاصل تعامل دوسویه سکونتگاه‌های روستایی و کانون‌های شهری در عرصه منطقه‌ای هستند. از لحاظ نظری، تحقیق این گونه جریان‌ها در بستر دگرگونی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جاری، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، با تنوع و تقویت اشتغال در محیط‌های روستایی همراه است. این پیوندها، بر خلاف روابط سنتی شهر و روستا که عمدتاً گویای نوعی روابط سلطه است، به واسطه تعامل دو سویه و مجموعه‌ای از جریان‌های مکمل تبیین می‌شوند. بر این مبنا، پیوندهای روستایی - شهری را می‌توان از دو منظر پیوندها در عرصه فضا و تعامل در سطح بخش‌ها (تعامل بخشی)، مورد بررسی قرار داد (سعیدی و مکانیکی، ۱۳۸۷: ۸۸). پیوند شهر و ناحیه با روستاهای ناحیه با رابطه‌های جمع‌آوری تولیدات ناحیه، رابطه جمعیتی، رابطه خدماتی، تأمین و توزیع سرمایه تولیدات صنعتی و کار جامعه شهری در ناحیه، عملکردهای اداری شهر در برابر محدوده اداری شهرستان یا بخش، نشر تکنیک و خدمات گوناگون، محورهای ارتباطی شهر-ناحیه صورت می‌گیرد (فرید، ۱۳۷۳: ۴۶۶). این روابط نقش مهمی در تعیین حوزه نفوذ شهر دارند، اصطلاح حوزه نفوذ نمایانگر میدان تأثیر و نفوذ خدمات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و

سیاسی یک شهر در روستاها، روستا-شهر، شهرک‌ها، بخش‌ها، شهرهای کوچک مجاور آن است (تقی زاده؛ ۱۳۸۴:۲۵). حوزه نفوذ یک شهر دارای یک حد کاملاً مشخص و قطعی نیست، بلکه به صورت طیفی از شدت روابط بین شهر و نقاط اطراف آن مطرح می‌گردد. در مواقعی بسته به شرایط جغرافیایی، ارتباطات و عملکرد حوزه یک شهر ممکن است به صورت لکه‌های جدا از یکدیگر ظاهر شود (زیاری و عباسی، ۱۳۹۶:۷۸). بنابراین هدف از تعیین حوزه نفوذ یک روستا، شناسایی روستاهایی است که دارای روابط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قابل توجهی با روستای مورد مطالعه هستند و از خدمات موجود در آن روستا بهره‌مند می‌شوند. بر این اساس مناسبترین روش‌های تعیین محدوده که می‌تواند برای شناسایی حوزه نفوذ یک سکونتگاه استفاده شده و مشخص کننده جریان‌های بین نقاط سکونتگاهی باشد، دو روش تحلیل جریان‌ها و تعیین جاذبه بین مکان‌های روستایی هستند (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۹۲:۶). از نظریات مهم در زمینه برهم کنش روابط روستا شهری می‌توان به نظریات. نظریه مکان مرکزی، قطب رشد، مدل مرکز-پیرامون، رویکرد آگرو پلین، رویکرد کارکردهای شهری در توسعه روستایی، نظریه شبکه‌ها و ... اشاره نمود (پاپلی یزدی، ۱۳۸۱:۳۸). در حالی که لازم است در تمام سطوح برنامه‌ریزی اعم از ملی، منطقه ای و محلی ضمن تلاش به منظور برقراری تعادل‌های محیطی در بین کلیه اجزا درونی و بیرونی ناحیه، با نگرشی یکپارچه به شهر و روستا، روابط و پیوندهای فضایی میان این دو کانون سکونتگاهی به صورت سیستماتیک در جهت دستیابی به یکپارچگی کارکردی و توسعه پایدار ناحیه مورد مطالعه و بررسی قرار بگیرد. (شمس الدینی، ۱۳۹۰:۸۲).

در سال ۱۹۷۸ راندینلی با طرح رهیافتی به نام عملکردهای شهری در توسعه روستایی، ایجاد شهرهای کوچک در پیوند عملکردی با حوزه‌های روستایی را محور قرار داد تا تنوع بخشیدن به اقتصاد، صنعتی کردن، عرصه‌های خدمات و تجاری کردن کشاورزی، سازماندهی و مدیریت توسعه را برآورده سازد (صرافی، ۱۳۷۹:۱۳۱). از نظر راندینلی دولت‌ها قادر هستند در رشد شهرهای کوچک تاثیر بگذارند و توزیع متعادل تری از جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی ایجاد نمایند (ضرابی و همکاران، ۱۳۸۸:۵). راندینلی معتقد به پر کردن سلسله مراتبی سکونتگاه‌ها از بالا به پائین بوده و بر توزیع راهبردی سرمایه‌گذاری‌ها از طرف دولت تاکید دارد (بختیاری، ۱۳۸۳:۱۴۱). این راهبرد دارای یک مضمون مشخص است که فریدمن آن را حکومت مستقل ناحیه ای نامیده است (محمدی یگانه و حسن‌زاده، ۱۳۹۲:۵۶). گولد نیز به اثر و پیامدهای مثبت مناسبات شهر و روستا اعتقاد دارد وی توسعه را با نوسازی تعریف می‌کند و معتقد است، اشاعه نوسازی از مرکز شهر آغاز و به طرف سلسله مراتب پائین‌تر شهری و نهایتاً نواحی روستایی جریان پیدا کرد، این شواهد احتمالاً می‌تواند همان اثر انتشار تدریجی و یا رخنه به پائین نظریه قطب رشد باشد (Lynch, 2005:22). نظریه پردازان جامعه‌شناسی و اقتصادی مکتب نوسازی مانند اسملسر ردفیلد، اینکلس، هوزلیتز، و ایزنشتاد با توجه به گسترش جامعه شهری و غلبه آن بر اجتماعات روستایی در

کشورهای توسعه یافته، یکی از معیارهای اساسی توسعه و نوسازی را شهرگرایی و تمرکز اجتماعات کشورهای در حال توسعه در شهرها می‌دانند (سبزیان، ۱۳۷۴: ۲۱). هانس بوبک در تحلیل روابط میان شهر و روستا در دنیای غیر صنعتی عمدتاً و پیوسته بر تحمیل نوعی ویژه‌ای از روابط سلطه با ماهیت استثماری از سوی شهرها بر محیط‌های روستایی تاکید دارد. آندره گوندر فرانک صاحب نظر مکتب وابستگی نیز از طریق ارایه الگویی از رابطه میان متروپل و قمر سعی نموده است، سازوکارها و نحوه عملکرد توسعه نیافتگی قمر را توضیح دهد. وی معتقد است خاستگاه روابط میان مترو-قمر را باید از دید استثمار جستجو کرد. او می‌گوید رابطه متروپل- قمر تنها به سطح بین المللی محدود نمی‌شود، بلکه همین طور در سطوح منطقه‌ای و داخلی جهان سوم نیز جریان دارد (سهید فر و همکاران، ۱۳۸۶: ۸۰).

کلام نهایی این است که تمام شهرها اعم از شهرهای بزرگ و کوچک به یک میزان حوزه نفوذ و عملکردی خود را تحت تاثیر قرار نمی‌دهند و آثار و پیامدهای مناسبات آن‌ها با روستاهای پیرامون به یک اندازه نیست. شهرها و بویژه شهرهای کوچک نقش حامل اقتصادی، فیزیکی، اجتماعی و فرهنگی بین شهرهای منطقه‌ای و نواحی روستایی خود ایفا می‌کنند (Tuerah, 41:1998). اینکه مناسبات شهر با روستا یک نوع رابطه مثبت یا منفی و یا رابطه استثماری است از پرسش‌های اساسی محسوب شده و به کانون نظریه‌های توسعه مربوط می‌شود، جایی که مناسبات مرکز - پیرامون را از منظر مثبت و منفی بودن تحلیل می‌کند (Lynch, 2005:33).

با توجه به نظریات فوق می‌توان آن‌ها را به چند دسته زیر تقسیم بندی کرد:

اول نظریه‌های تبیین کننده شکل گیری ادغام روستا در شهر نظریه پیوند متقابل شهر روستا، توسعه فیزیکی شهر، چند هسته‌ای، مرکز-پیرامون، قطب رشد با بکارگیری این نظریات تا حدودی می‌توان فرایند شکل گیری ادغام روستا در شهر را تبیین کرد. دوم نظریات تبیین کننده عوامل موثر بر میزان ادغام روستا در شهر شامل نظریه‌های واگرایی، همگرایی اجتماعی، نظریه تقابل، نظریه وفاق و کارکردگرایی، این نظریات بر پایه روابط اجتماعی استوارند و نحوه تعامل سکنه سکونتگاه ادغامی با شهر را مشخص نموده و با بهره گیری از آن‌ها می‌توان میزان ادغام روستاها در شهر را تعیین نمود. سوم نظریات تبیین کننده پیامدها و آثار ادغام روستا در شهر شامل نظریه راندینلی، ساخت قطاعی، نظریه توسعه پایدار. این گروه از نظریات بویژه توسعه پایدار می‌تواند در تبیین آثار و پیامدهای روستا در شهر مفید باشد (فیروزنیا و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۱).

قبل از انقلاب دیدگاه قطب رشد یعنی توجه به مراکز شهری مبنای توسعه قرار گرفت اما رویکرد بعد از انقلاب عمدتاً برافزایش رشد اقتصادی، صنعتی شدن توسعه شهری تاکید داشت و در عین حال به امر توسعه و عمران روستاها از طریق اجرای طرح‌های کالبدی، ساماندهی حوزه و مجموعه و همچنین منظره‌های روستایی و طرح شورایی کردن شیوه مدیریت روستایی و... همه آن‌ها حکایت از رویکرد کاهش شکاف منطقه‌ای، ناحیه‌ای و نگرش عدالت محور دولت به

روستاهاست. از این رو رویکرد نظری در این پژوهش مدیریت خردمندانه فضا از طریق مناسبات روستا با شهر براساس نظریه مرکز-پیرامون است. باور براین است مدیریت خردمندانه از فضای شهر و پیرامون آن منجر به توسعه فضاهای پیرامونی گردد. به عبارتی شهر می‌تواند اثر توسعه‌ای مثبت بر روستاهای پیرامونی خود داشته باشد. پژوهش حاضر سعی دارد با توجه به نظریه‌های مرکز-پیرامون به بررسی تحولات صورت گرفته در روستاهای پیرامون براساس شاخصه‌های اقتصادی، اجتماعی، اداری-خدماتی و کالبدی می‌پردازد.

۳- پیشینه پژوهش

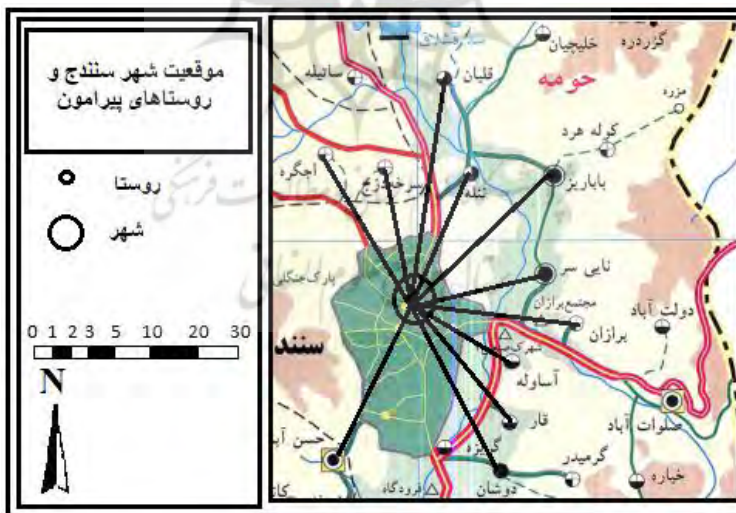
شهرها به دلیل نقش مهم کارکردی خویش در توسعه ناحیه‌ای و محلی مورد توجه بسیاری از برنامه‌ریزان ناحیه ای قرار گرفته و در این زمینه پژوهش‌های زیادی در کشور انجام گرفته که در اینجا خلاصه‌ای از برخی پژوهش‌های انجام گرفته در این راستا بیان می‌گردد.

جدول (۱) پیشینه پژوهش

نویسنده و سال	موضوع	نتایج
منشی زاده و صادقی (۱۳۸۹)	تحولات فضایی روستاهای پیرامون شهر با تاکید بر تعامل شهر و روستا مورد شهرنور اباد ممسنی	روستاها دگرگونی‌های در ساختار فضایی-کالبدی شهر ایجاد کرده. تغییرات در کاربری اراضی تغییرات زیست محیطی و تحولات اجتماعی مشخص است.
مجوری و عزیزپور (۱۳۹۳)	پراکند هرویی شهر شیراز و تغییرات اقتصادی، اجتماعی و کالبدی روستاهای پیرامون مورد روستای گویم	نتایج نشان داد روستای «گویم» از سال ۰۸۳۱ تا ۰۹۳۱ به شدت تحت تأثیر روند پراکنده رویی شهر شیراز قرار دارد.
ضیا توانا و شمس الدینی (۱۳۸۹)	کارکر روستای ده‌های شهری در توسعه مورد : نورآباد و روستاهای پیرامون	نتایج نشان داد رابطه دوسویه بین شهر و روستاهای پیرامونی وجود دارد. روستاها موجب توسعه شهر شده است.
فیروزنیا و همکاران (۱۳۹۰)	مطالعه تاثیر ادغام روستا در شهر	در هفت سکونتگاه ادغامی در شهر کاشان مشخص شد که آثار مثبت ادغام بیش از آثار منفی بوده است.
پور احمد و همکاران (۱۳۹۲)	بررسی الگوی توسعه متعادل منطقه‌ای، با تأکید بر روابط شهر و روستا مورد قزوین	در منطقه قزوین روابط شهرها با روستاهای استان بسیار محدود بوده و این مسأله تحت تأثیر مکانیزم‌هایی چون ساختار تمرکز خدماتی استان، تغییر کارکردهای شهری و روستایی و سایر موارد بوده است
شمس الدینی و همکاران (۱۳۹۰)	تحلیلی جغرافیایی بر جریان‌ات متقابل روستایی-شهری مورد مرودشت و روستاهای پیرامونی	فرهنگ بده و بستان روستاها با شهر زمینه رونق و توسعه اقتصادشهری را فراهم و وابستگی آن‌ها به شهر زیاد شده است.
قنبری نوذر (۱۳۹۵)	تحلیل روابط فضایی شهرهای کوچک و روستاهای پیرامونی (مورد شهر گهواره کرمانشاه)	روابط شهر با روستاهای پیرامون از نظر عملکردی متوسط تا ضعیف می‌باشند.
سجاسی قیداری و همکاران (۱۳۹۶)	تحلیل فضایی پیوندهای روستا/ شهری بر اساس عملکرد حوزه نفوذ خدماتی مراکز شهری	ارتباط قوی بین روستاهای پیرامونی با شهر کوه‌دشت وجود دارد

۴- روش تحقیق

این پژوهش از نظر نوع کاربردی، از نظر درجه نظارت و کنترل میدانی و از نظر روش توصیفی-تحلیلی است. جهت تدوین مبانی نظری و پیشینه پژوهش و همچنین از روش کتابخانه‌ای از نوع جستجوگرهای انترنتی، پایگاه‌های اطلاع علمی کشور استفاده شده است. برای تبیین و تحلیل روابط فضایی از نقشه‌های ماهواره‌ای و نرم افزار GIS استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش شامل ۱۱ روستای واقع در پیرامون شهر سنندج است در شکل (۱) موقعیت روستاها را نشان می‌دهد. جمعیت روستاهای پیرامونی بیش از ۲۵ هزار نفر بوده که پس از نمونه‌گیری به روش کوکران تعداد ۳۶۸ خانوار انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری به صورت تصادفی طبقه‌بندی شده بوده به این صورت که، متناسب با جمعیت هر محله، پرسشنامه در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، خدماتی-اداری طراحی، سپس توزیع و تکمیل شده است. روایی محتوای سئوال‌ات پرسشنامه توسط اساتید و کارشناسان امر مورد تأیید قرار گرفته و برای محاسبه پایایی سئوال‌ات ابتدا با پیش‌آزمونی، پرسش‌نامه بر روی نمونه‌ای به حجم ۳۰ نفر اجرا گردید و سپس پایایی پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ محاسبه گردید و ضریب $0/85,7$ به دست آمد که نشان از سطح بالای پایایی پرسشنامه می‌باشد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از عملیات میدانی از آمار استنباطی با استفاده از نرم افزار SPSS 21 از آزمونهای پارمتری T تک نمونه‌ای، و برای ارزیابی همقواری متغیرهای اسمی از آزمون خی دو استفاده شده است.



شکل (۱) موقعیت جغرافیایی شهر سنندج و روستاهای پیرامونی آن

۵- تجزیه و تحلیل

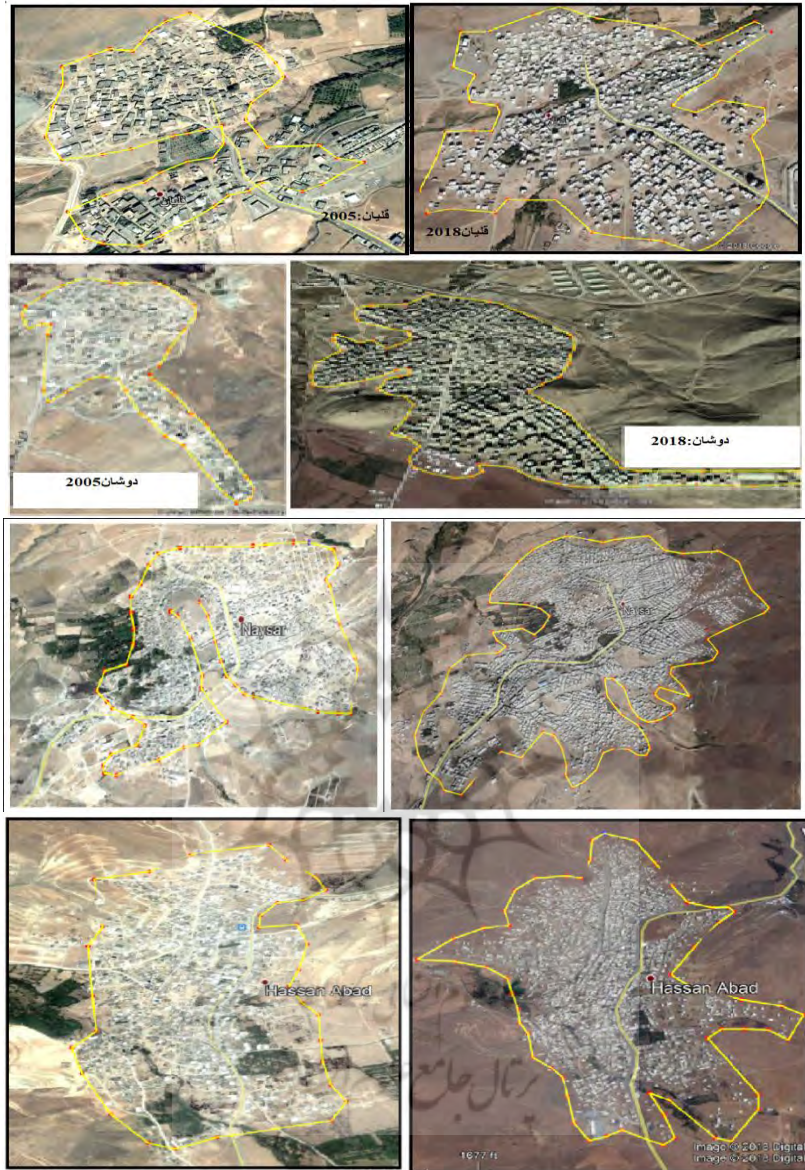
۵-۱- توسعه کالبدی فضای شهر سنندج و پیوند آن با فضای پیرامون

پوشش شهر برای پیوستن به محیط پیرامون، از طریق گسترش کالبدی شهر در مرزها یا محدوده رشد شهری انجام می‌شود. رشد و توسعه کالبدی شهر افزایش کمی و کیفی کاربری‌ها و فضاهای کالبدی شهر در ابعاد افقی و عمودی است که در طول زمان شکل می‌گیرد. بنابراین رشد شهری پویایی مستمر و مداوم است. خط مشی‌های رشد برنامه ریزی شده در کلیت آن به سه دسته رشد از درون، رشد در پیرامون و رشد در بیرون قابل تعریف است (علی اکبری و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۸). گسترش فضایی- کالبدی شهر سنندج از یک طرف و توسعه فیزیکی روستاهای پیرامونی، از طریق جذب مهاجرین روستایی و دیگر شهرهای استان و کشور، فضا و فاصله دو مکان جغرافیایی شهر و روستا را به هم نزدیکتر کرده و چه بسا از نظر سکونتگاهی برخی از روستاها مانند گریزه، برازان در شهر سنندج ادغام شده، در عین حال روستا محسوب می‌گردند. برخی دیگر با فاصله کمی که با شهر سنندج فاصله دارند از نظر خدماتی، دسترسی به شبکه حمل و نقل شهری و خدمات اداری و عمومی روستاهای پیرامونی، در آمیختگی و بهم پیوستگی شدیدی با شهر سنندج ایجاد کرده‌اند. تا جایی که دو شهر منفصل طی چندسال اخیر به نام نایسر در شمال شرقی شهر سنندج با جمعیتی بالغ بر ۲۷ هزار نفر و حسن آباد در غرب سنندج با بیش از ۱۱ هزار نفر بوجود آمده‌اند.

تحولات فضایی شهر منفصل نایسر در سال ۱۳۸۵ دارای مساحتی برابر با ۵/۷۳ کیلومتر مربع بوده که در سال ۱۳۹۵ به بیش از دو برابر یعنی ۱۱/۰۹ کیلومتر مربع افزایش یافته است. همچنین شهر منفصل حسن آباد در سال ۱۳۸۵ دارای مساحتی ۴/۱۵ کیلومتر مربع مساحت و در سال ۱۳۹۵ به بیش از ۷/۳۰ کیلومتر مربع افزایش یافته است. نتایج نشان داد که سایر روستاهای پیرامون شهر سنندج طی دهه گذشته با توجه به شرایط توپوگرافی، مساحت فضایی-مکانی آن‌ها بیش از دو برابر شده است. شکل (۲) روند توسعه فضایی-مکانی روستاها را طی سال‌های ۹۵-۱۳۸۲ نشان می‌دهد.

جدول (۲) روند توسعه کالبدی و جمعیتی روستاهای پیرامونی شهر سنندج

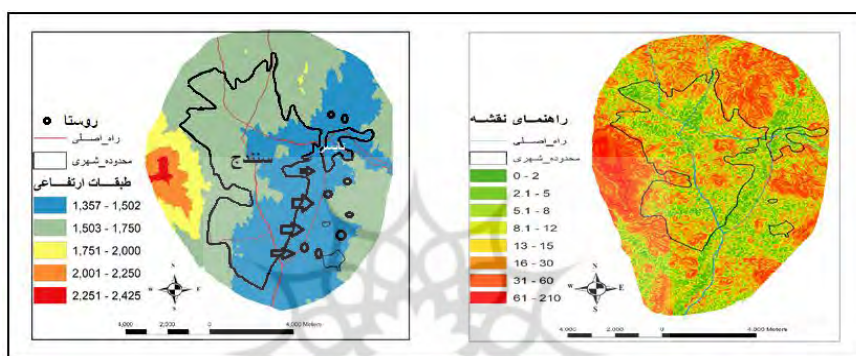
روستا	مساحت ۱۳۸۵	مساحت ۱۳۹۵	جمعیت: ۱۳۸۵	جمعیت: ۱۳۹۵	تفاضل جمعیت
نایسر	۵,۷۳	۱۱,۰۹	۱۲۴۸۰	۲۷۴۵۰	۱۴۹۷۰
حسن آباد	۴,۱۵	۷,۳۰	۷۵۱۴	۱۱۷۵۲	۴۲۳۸
دوشان	۲,۷۴	۵,۴۶	۲۱۶۵	۷۰۹۰	۴۹۲۵
قار	۱,۵۲	۳,۰۶	۱۰۰۱	۱۴۸۳	۴۸۲
باباریز	۲,۰۶	۲,۵۷	۱۵۵۵	۲۱۳۰	۵۷۵
قلیان	۲,۴۱	۴,۱۹	۱۲۸۳	۲۷۷۳	۱۴۹۰
سنندج	۵۲	۶۳/۴۶	۳۱۸۰۹۱	۴۱۴۰۶۹	۹۵۹۷۸



شکل (۲) روند توسعه فضایی-کالبدی روستاهای پیرامونی شهر سنندج

بی شک در فرایند تحولات فضایی-مکانی شهرها و نواحی پیرامونی، عوامل طبیعی و انسانی در توسعه فضایی-مکانی آن‌ها مشارکت دارند که بالقوه بستر توسعه را تحدید و بالعکس تسریع می‌کنند. برای ادراک از چگونگی و نحوه تحولات فضایی-مکانی شهر سنندج از نقشه‌های طبیعی مانند شیب و ارتفاع استفاده شده است. براساس نقشه شیب شهر سنندج که در جدول شماره ۳ نشان داده شده است، حدود از ۵۰ درصد از مساحت شهر سنندج دارای شیب بیش از ۱۶ درصد

است. این بدان معناست که شهر سنندج با محدودیت فضای فیزیکی مناسب برای توسعه کالبدی روبرو است. جهت شیب زمین به گونه‌ای که از غرب به شرق کاهش می‌یابد. از نظر ارتفاعی همانطوری که شکل (۳) نشان داده شده است، طبقات ارتفاعی مشخص و پهنه‌های مناسب شهر سنندج برای توسعه فضایی-مکانی را نشان می‌دهد، براساس نتایج نقشه ارتفاعی، ۳۶ درصد شهر سنندج دارای پهنه مناسب و ۶۴ درصد دارای پهنه نامناسب برای توسعه سکونتگاه‌ها می‌باشد. ارتفاعات از شمال و غرب شهر سنندج محدودیت‌های برای توسعه کالبدی شهر ایجاد کرده، در مقابل فضاهای باز و کم ارتفاع در شرق و شمال شرقی شهر سنندج بستر توسعه شهرسنندج را فراهم ساخته است.



شکل (۳) شیب و ارتفاعات شهر سنندج و امکان توسعه فضایی آن

جدول (۳) طبقه بندی معیار مربوط به شیب و ارتفاع

معیار	کاملاً مناسب	مناسب	نامناسب	کاملاً نامناسب
شیب (درصد)	۵-۳	۷-۵	۱۵-۷	+۱۵
ارتفاع به متر	۱۶۰۰-۱۴۰۰	۱۸۰۰-۱۶۰۱	+۱۸۰۰	

منبع: طرح و توسعه و عمران(جامع) ناحیه اصفهان: ۱۳۸۲

جدول (۴) طبقات شیب زمین سنندج

ردیف	شیب	مساحت	درصد
۱	۵-۳	۸۱۶۰۴۱۸۹	۲۸/۱
۲	۱۰-۶	۲۳۳۱۵۴۸۲۶	۷/۸
۳	۱۵-۱۱	۱۰۰۵۴۸۰۲	۱۴/۱۵
۴	۲۰-۱۶	۵۶۹۷۷۲۱۱	۲/۱۵
۵	+۲۰	۱۱۹۴۹۱۸۴۹	۴۸/۱۰

نتایج حاصله از نقشه شیب و ارتفاع گویای این مطلب است که عامل ناهمواری نقش اول در فرایند توسعه فضایی-کالبدی شهر سنندج را تعیین می‌کند. بخش شرقی سنندج که اغلب روستاهای پیرامونی در آنجا استقرار دارند، امکان توسعه فضایی-کالبدی را فراهم ساخته است. آنچه به عنوان موانع در فرایند توسعه شهر سنندج طی این سال‌ها ایجاد کرده است، وجود رودخانه قشلاق و اراضی و باغات اطراف آن است که در امتداد محور رودخانه از شمال به جنوب کشیده شده است. از طرف دیگر وجود مشکلات زیست محیطی ناشی از بوی تعفن شبکه فاضلاب که وارد رودخانه می‌گردد، خود عامل بازدارنده‌ای در توسعه فضایی مکانی شهر سنندج با روستاهای پیرامونی شده است.

بخش شمال غربی شهر سنندج دارای توپوگرافی نسبتاً همواری است، اما وجود عوامل انسانی مانند مراکز امنیتی-نظامی (پادگان‌های ارتش و سپاه پاسداران) در این بخش، روند توسعه فضایی- مکانی شهر سنندج را با محدودیت‌هایی روبرو کرده است. بخش غربی شهر وجود ناهمواری شدید و کوه آبیدر مانع توسعه فضایی شهر بوده و تنها مسیر مناسب برای توسعه فضایی شهر سنندج، بخش شرقی آن است که روستاهای پیرامونی در آنجا تعداد آن‌ها بیش از ۶ آبادی می‌باشد. از آنجائی که روند توسعه فضایی شهر سنندج طی ده‌های اخیر به صورت طولی در امتداد محور سنندج-سقز و سنندج-کرمانشاه بوده و به عبارتی از شمال به جنوب بوده، توسعه بیش از حد طولی آن نه تنها مدیریت راهبردی شهر را با مشکلات مواجه ساخته، بلکه تمایل مردم به سمت و سوهایی است که دسترسی به بازار مرکزی شهر، دسترسی به امکانات و خدمات شهری، وجود داشته باشد. از آنجائی که بخش شرقی شهر سنندج از نظر شیب و ناهمواری، شرایط مناسب‌تری را دارد. لذا روند توسعه فضایی شهر سنندج به طرف سمت شرق گسترش خواهد یافت.



شکل (۴) موقعیت رودخانه قشلاق و اراضی زراعی اطراف آن

۵-۲- پیوند شهر با روستاهای پیرامونی برمبنای جمعیت و فاصله

گرچه موقعیت جغرافیایی روستاها تابعی از متغیر ناهمواری و فاصله است. همین عوامل بستر تعاملات و روابط را بیشتر و برعکس آن، روابط را با محدودیت‌هایی روبرو خواهد کرد. همانطور اشاره گردید بخش شرقی و تاحدودی بخش شمال شرقی شهر سنندج دارای توپوگرافی هموار و بیشتر روستاهای پیرامونی شهر سنندج در این بخش استقرار دارند. نتایج آماری سال ۱۳۹۵ نشان می‌دهد، بیش از ۵۹۰۰ خانوار در بخش شرقی، ۲۰۵۶ خانوار در بخش شمال شرقی و ۹۸۱ خانوار روستایی در بخش شمالی و ۳۸۹ خانوار در جنوب غربی زندگی می‌کنند. از نظر بعد فاصله حدود ۷۳ درصد روستاها کمتر از ۳ کیلومتر با شهر سنندج فاصله دارند. ۲۶ درصد از روستاها در فاصله بین ۶-۵ کیلومتر و یک روستا در فاصله بیش از ۶ کیلومتری شهر سنندج قرار دارند.

جدول (۵) روستاهای پیرامونی شهر سنندج

روستا	خانوار	فاصله از شهر	روستا	خانوار	فاصله از شهر
سرخه دزج	۳۸۹	۳	قلیان	۸۴۱	۳
اساوله	۲۳۹۶	۳	اجگره	۱۲۲	۷
خلیچیان	۲۰۷	۵	گریزه	۲۵۰۱	۱/۵
باباریز	۶۵۷	۳	برازان	۹۸۸	۳
دوشان	۲۱۱۳	۲	اجگره	۱۱۳	۳
قار	۴۱۰	۳			

۵-۳- پیوند شهر و روستا از نظر کارکردی

روابط شهر و روستا مجموعه روابط و مناسبات کالبدی-فضایی، اجتماعی-اقتصادی و حقوقی-سیاسی سکونتگاه‌های روستایی با کانون‌های بزرگ و کوچک شهری را شامل می‌شود (سعیدی و مکانیکی، ۱۳۸۹، ۲). ارتباطات و پیوندهای شهر و روستا گسترده و روز بروز پیچیده‌تر می‌گردد. این پیوند روابط خود را به شکل جریان جمعیت، کالا، عقاید، سرمایه، اطلاعات و نوآوری نشان می‌دهد. به همین دلیل بسیاری از تحولات و تغییرات شهرها و روستاها ناشی از کم و کیف روابط بین آن هاست. در این راستا پژوهش، پیوند شهر با نواحی پیرامونی خود در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، خدماتی و اداری و کالبدی مورد سنجش قرار داده است.

۵-۳-۱- بعد اقتصادی

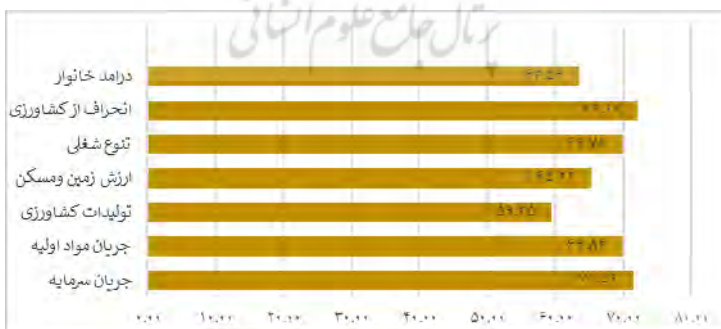
یکی از عوامل موثر در تعیین جایگاه و موضع شهر و روستا و رابطه بین آن‌ها، فعالیت‌های اقتصادی است که یکپارچگی فضایی را توسعه می‌بخشد. نوع فعالیت اقتصادی ناشی از امکانات مساعد ناحیه‌ای و روستاهای پیرامونی آن است. تولید و عرضه کالا از شهر به روستا و صدور

محصولات کشاورزی و دامپروری از روستا به شهر ارکان اساسی روابط اقتصادی را تشکیل می‌دهد (صحنه و همکاران به نقل از شکویی، ۱۳۹۶: ۱۳۱).

براساس نتایج جدول ۵ در بعد اقتصادی که ۷ عامل مورد بررسی قرار گرفت و براساس آزمون آزمون تی مورد سنجش قرار گرفتند، نتایج نشان داد از هفت مورد بررسی همگی بالای میانگین بوده است. نتایج حاصله جدول ۲ نشان داد که بیشترین سهم تغییرات پاسخگویی در این بخش ۶۷ درصد زیاد ۱۹ درصد متوسط و ۱۴ درصد کم بوده است. براساس شکل (۵) عامل انحراف از فعالیت‌های کشاورزی با ۷۲ درصد بیشترین تاثیر شهر سنندج بر نواحی پیرامونی خود در بعد اقتصادی بوده است. بعد از آن جریان سرمایه، از طریق مراجعات بانکی و سرمایه گذاری فعالیت‌های صنعتی در اطراف روستاهای شهر بیش از ۷۱ درصد پیوند شهر و روستا را تبیین می‌کند. بعد از آن عامل های جریان مواد اولیه و تنوع شغلی با بیش از ۶۹ درصد، ارزش قیمت زمین و مسکن ۶۵ درصد، درآمد خانوار با ۶۳ درصد و کمترین پیوند شهر و روستا در ابعاد اقتصادی در بخش تولیدات کشاورزی بوده که نتیجه آن تغییر کاربری اراضی زراعی به مسکونی است.

جدول (۶) میزان تاثیر روابط شهر و روستا در ابعاد اقتصادی

sig	df	med	کم		متوسط		زیاد		متغیر
			درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۰/۰۰۰	۳	۳/۶	۱۱	۴۰	۱۰	۳۶	۷۹	۲۹۲	جریان سرمایه
۰/۰۰۰	۳	۳/۵	۷	۲۶	۲۳	۸۵	۷۰	۲۵۱	جریان مواد اولیه
۰/۰۰۰	۳	۳	۲۳	۸۴	۳۵	۱۲۸	۴۲	۱۵۶	تولیدات کشاورزی
۰/۰۰۰	۳	۳/۳	۱۶	۶۰	۲۵	۹۲	۵۹	۲۱۶	ارزش زمین و مسکن
۰/۰۰۰	۳	۳/۵	۱۲	۴۴	۱۵	۵۶	۷۳	۲۶۸	تنوع شغلی
۰/۰۰۰	۳	۳/۶	۱۰	۳۸	۹	۳۲	۸۱	۲۹۸	انحراف از کشاورزی
۰/۰۰۰	۳	۳/۲	۱۶	۵۸	۳۵	۱۲۸	۵۱	۱۸۲	درآمد خانوار



شکل (۵) ضرایب پیوند شهر با روستاهای پیرامونی بر حسب درصد

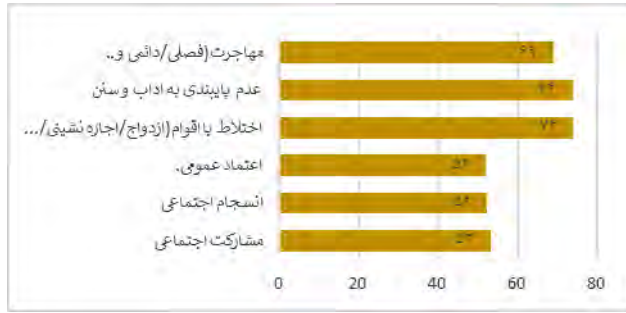
۵-۳-۲- روابط شهر با پیرامون از بعد اجتماعی و فرهنگی

شهر با روستا از جهات اجتماعی و فرهنگی متفاوت است، این تفاوت‌ها را می‌توان در زیر مجموعه‌های مانند فرهنگ بهداشت شهری، توجه به مسائل زیست محیطی شهری، روابط انسانی-اداری و معاشرت‌های روزمره و شبانه، توجه به ارزش و آئین‌های مذهبی، لباس‌های محلی، نحوه گذاران اوقات فراغت و ... شهر با روستا متفاوت است. چه بسا چنین تفاوت‌هایی شکاف طبقاتی را بیشتر نمایان کرده و روستایی جهت سازگاری با فرهنگ شهری بعضاً با قبول زحمت و ناچاری تن به پذیرش برخی از ارزش‌های فرهنگ و رفتار شهری می‌دهند و چه بسا همین تفاوت‌های فرهنگی و رفتارهای اجتماعی روستائیان با شهریان موجب تنش و آسیب‌های اجتماعی را گسترش دهد.

براساس نتایج جدول ۶ در بعد اجتماعی و فرهنگی که ۷ عامل مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصله از آزمون تی نشان داد که بیشترین سهم تغییرات در این بخش ۵۱ درصد زیاد ۲۳ درصد متوسط و ۲۶ درصد کم بوده است. در این راستا بیشترین سهم پیوند شهر با روستا در عامل‌های، اختلاط با اقوام و عدم پایبندی به ارزش‌های فرهنگ روستایی است. به عبارتی روستایی برای سازگاری با فرهنگ شهری به فرهنگ اصیل خود پشت کرده و به طرق مختلف فرهنگ شهری را وارد ادبیات زندگی خود کرده است. بیشتر این سازگاری‌ها، سهم زنان بیش از مردان بوده و مردان غالباً جهت امرار معاش در شهر فعالیت دارند اما سهم زنان از جنبه روانشناختی آن از طریق سازگاری فرهنگ لباس و حتی تغییر لهجه، سعی در پر کردن کمبودهای روانی خود می‌باشند. بعد از آن عامل‌های مهاجرت که نشان از موقعیت مناسب روستاها از نظر فاصله و قیمت مسکن دارد که به اشکال مختلف مهاجرین روستایی به این نواحی پناه می‌آورند. در مقابل عامل‌های مرتبط با سرمایه‌های اجتماعی مانند میزان مشارکت، اعتماد عمومی و انسجام اجتماعی در سطح نازل بوده و کمتر از حد میانگین بوده است.

جدول (۷) میزان تأثیر روابط شهر و روستا در ابعاد اجتماعی

متغیر	زیاد		متوسط		کم		میانگین
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
مشارکت اجتماعی (طرح/انتخابات/مجالس/همیاری)	۱۵۱	۴۱	۸۰	۲۲	۱۳۷	۳۷	۲/۷
انسجام اجتماعی(همگنی،قومی/زبانی/فرهنگی)	۱۴۲	۳۹	۸۵	۲۳	۱۴۱	۳۸	۲/۶
اعتماد عمومی(امانت داری/اراز داری ...)	۱۳۲	۳۶	۹۸	۲۷	۱۳۸	۳۷	۲/۶
اختلاط با اقوام(ازدواج/اجاره نشینی/...)	۲۲۴	۷۶	۸۱	۲۲	۶۳	۱۷	۳/۳
عدم پایبندی به اداب و سنن(پذیرش فرهنگ شهری)	۱۷۰	۷۲	۱۷۰	۱۷	۲۸	۸	۳/۶
مهاجرت(فصلی/ادامی و..)	۲۶۴	۷۲	۵۶	۱۵	۴۸	۱۳	۳/۵



شکل (۶) ضرایب پیوند شهر با روستاهای پیرامونی بر حسب درصد

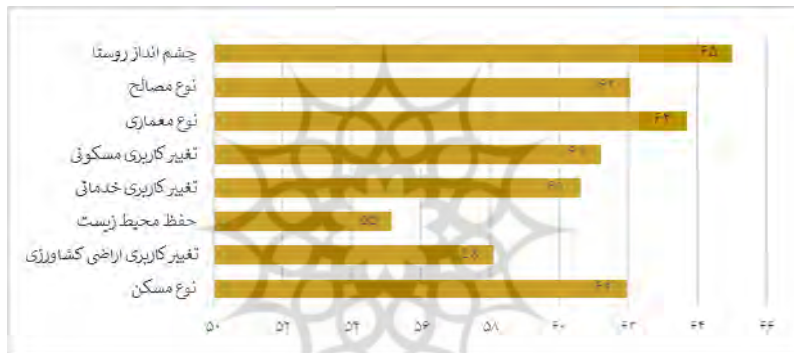
۵-۳-۳-روابط شهر با پیرامون از بعد کالبدی

رابطه فیزیکی- فضایی بین شهر و روستا از ملموس‌ترین و واقعی‌ترین رابطه‌ها است. مدل‌های معروف مرکز-پیرامون، حوزه‌های نفوذ، پسرکرانه‌ها، شهر و حومه، اقمار و غیره و حتی مطالعات ناحیه‌ای، همه حکایت از رابطه فیزیکی-فضایی بین شهر و روستا دارد (قتبری:۱۳۹۵:۳۲). یکپارچگی فضایی جوامع اساساً از روابط فیزیکی و از طریق شبکه‌های حمل و نقل طبیعی و شبکه‌های حمل و نقل انسان ساخت بوجود می‌آید (shokoe,2001:270). راه به عنوان شریان‌های اقتصادی - اجتماعی که روستا را به شهر متصل می‌سازد. از این رو اقتصاددانان برنامه‌ریز بر این باورند که راه ارتباطی همانند مویرگ‌هایی می‌مانند که خون را به اعضای بدن منتقل می‌سازند.

براساس جدول شماره (۴) هشت عامل در بخش کالبدی براساس آزمون آزمون تی مورد سنجش قرار گرفته و نتایج آن در جدول فوق نشان داده شده است. داده‌ها نشان داد که ضریب تغییرات در میان متغیرها چندان قابل توجه نیست. بدین معنا که ضریب تغییرات عامل‌ها تقریباً نزدیک به هم است. با این وجود بیشترین سهم تغییرات با ۴۹/۶ زیاد، ۳۲/۵ متوسط و ۱۸ کم بوده است. در این راستا بیشترین سهم پیوند عامل‌های روستایی با شهر سنندج نشان می‌دهد که چشم انداز نامناسب روستا در نتیجه تحولات و رشد فیزیکی آن و عدم نظارت بر ساخت و سازهای شبانه، موجب گردیده چشم انداز روستا، بدقواره و نامنظم جلوه کند. این موضوع ارتباط مستقیمی با مقوله مهاجرت‌های روستایی و خرید زمین‌های اطراف روستا و به دنبال آن ساخت و سازهای نامنظم و غیر مجاز، چهره روستا را مخدوش کرده است. در کنار آن عامل نوع معماری مسکن با ضریب ۶۴ درصد، که بی‌تاثیر در چشم انداز روستا نبوده، موجب سکونتگاه‌های روستایی از یک الگوی معماری تبعیت نکرده و تداخل سنت و مدرنیته در معماری روستا به تعدد و فراوان مشاهده می‌گردد. نوع مصالح (بادوامی) و نوع مسکن هر یک با ۶۲ درصد، متأثر از فضای شهر از نظر خرید مصالح، سبک معماری و طراحی آن، عامل تغییر کاربری اراضی و تبدیل آن به زمین‌های مسکونی از دیگر عامل‌های تاثیر گذار شهر بر روستا بوده که در فضای داخل روستا نیز شاهد تغییر کاربری از مسکونی به مشاغل خدماتی بوده که ضریب تاثیر ۶۱ مبین تاثیرات کارکردی فضای شهر سنندج بر روستاهای پیرامونی است.

جدول (۸) میزان تاثیر روابط شهر و روستا در ابعاد کالبدی

sig	df	تی	کم		متوسط		زیاد		متغیر
			درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۳	۰/۰۰۰	۳	۲۲	۸۱	۲۶/۴	۸۹	۲۴/۲	۱۹۸	نوع مسکن
۳	۰/۰۰۰	۲/۹	۲۸	۱۰۲	۲۶	۹۷	۴۶	۱۶۹	تغییر کاربری اراضی کشاورزی
۳	۰/۰۰۰	۲/۸	۳۰	۱۰۹	۳۵	۱۳۰	۳۵	۱۲۹	حفظ محیط زیست
۳	۰/۰۰۰	۳	۲۷	۹۹	۲۴	۸۸	۴۹	۱۸۸	تغییر کاربری خدماتی
۳	۰/۰۰۰	۲/۹	۲۳	۸۵	۲۵	۹۱	۵۲	۱۹۲	تغییر کاربری مسکونی
۳	۰/۰۰۰	۳	۱۷	۶۳	۳۰	۱۱۱	۵۳	۱۹۴	نوع معماری سنتی
۳	۰/۰۰۰	۳/۱	۱۹	۶۹	۳۳	۱۲۳	۴۸	۱۷۶	نوع مصالح
۳	۰/۰۰۰	۳/۳	۱۸	۶۸	۲۰	۷۲	۶۱	۲۲۸	چشم انداز روستا



شکل (۷) ضرایب پیوند شهر با روستاهای پیرامونی بر حسب درصد

۵-۳-۴-روابط شهر با پیرامون از بعد اداری و خدماتی

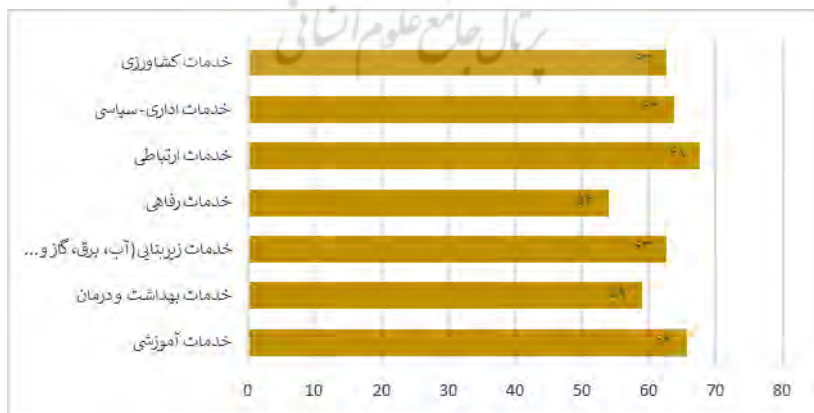
مراکز خدمات روستایی نقش بسیار با اهمیتی در ارائه امکانات و خدمات مورد نیاز روستاهای تحت نفوذ خود دارا می‌باشند؛ زیرا مراکز خدمات رسانی به عنوان پایگاهی برای ایجاد تحرک و میل به زیستن در نواحی روستایی تلقی می‌شوند. امروزه ساماندهی فضاهای روستایی در سه سطح منظومه، مجموعه و حوزه انجام می‌شود و البته مکانیابی هر کدام از فضاهای فوق با توجه به موقعیت جغرافیایی، دسترسی جمعیت، شبکه ارتباطی- زیربنایی، تقسیمات سیاسی- اداری و عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی انجام می‌گیرد.

در بررسی ابعاد اداری و خدماتی به منظور تبیین ارتباط و پیوند روستا با شهر، هفت عامل در بخش اداری و خدماتی انتخاب و براساس آزمون آزمون تی مورد سنجش قرار گرفته و نتایج آن در جدول ۵ نشان داده شده است. براین اساس بیشترین سهم تغییرات زیاد با ۴۸/۱ درصد؛ متوسط با ۳۲/۲ درصد و کم با ۱۹/۷ درصد است. در ارتباط با تاثیرات پیوند شهر سنندج با روستاهای

پیرامونی نتایج نشان داد که عامل ارتباطی (دسترسی به وسایط حمل و نقل عمومی و شخصی) با ۶۸ درصد، عامل خدمات آموزشی (دسترسی به خدمات آموزشی شهر) با ۶۶ درصد؛ خدمات اداری و سیاسی با ۶۴ درصد، خدمات زیربنایی و عمومی و کشاورزی هریک با ۶۳ درصد در عامل زیربنایی با ۵۹ درصد، گرچه روستاها به نزدیک می‌باشند اما در زمینه دسترسی به آب سالم آشامیدنی سالم تصفیه شده در محدودیت قرار دارند، عامل خدمات بهداشت و درمان و همچنین خدمات رفاهی هریک با ۵۹ و ۵۴ درصد از فضای شهری مرتبط می‌باشند. در بخش بهداشت و درمان و محیط زیست، روستاها با مشکلات و محدودیت‌هایی از قبیل جمع آوری و دفن زباله، عدم آسفالت خیابان‌های روستا و گرد و غبارهای پائیزی موجب آلودگی هوای روستا می‌شود از طرفی هم وجود حیوانات ولگرد اهلی مانند سگ‌ها و بالا بودن تعداد جمعیت آن‌ها یک تهدید برای روستائیان محسوب می‌گردد. در بخش رفاهی و تفریحی معمولاً روستاهای پیرامونی جهت گذاران اوقات فراغت به اطراف و پارک‌های نزدیک شهر مراجعه می‌کنند.

جدول (۹) میزان تاثیر روابط شهر و روستا در ابعاد خدماتی - اداری

sig	df	med	کم		متوسط		زیاد		متغیر
			درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۳	۰/۰۰۰	۳/۳	۱۴/۹	۵۵	۲۶/۹	۹۹	۵۸/۲	۲۱۴	خدمات آموزشی
۳	۰/۰۰۰	۲/۹	۲۵	۹۲	۳۰/۲	۱۱۱	۴۴/۸	۱۶۵	خدمات بهداشت و درمان
۳	۰/۰۰۰	۳/۱	۲۰	۷۴	۲۷	۹۸	۵۳	۱۹۶	خدمات زیربنایی (آب، برق، گاز و...)
۳	۰/۰۰۰	۲/۷	۳۰/۲	۱۱۰	۳۶/۳	۱۳۲	۳۳/۵	۱۲۲	خدمات رفاهی
۳	۰/۰۰۰	۳/۴	۸/۷	۳۲	۳۵/۶	۱۳۱	۵۵/۷	۲۰۵	خدمات ارتباطی
۳	۰/۰۰۰	۳/۲	۱۷/۱	۶۳	۳۰/۲	۱۱۱	۵۲/۷	۱۹۴	خدمات اداری - سیاسی
۳	۰/۰۰۰	۳/۱	۱۸/۲	۶۷	۳۲/۶	۱۲۰	۴۹/۲	۱۸۱	خدمات کشاورزی



شکل (۸) ضرایب پیوند شهر با روستاهای پیرامونی بر حسب درصد

در جمع کلی از شاخص‌های مورد بررسی در روستاهای پیرامونی شهر سنندج و با توجه به داده‌های مورد بررسی که در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کالبدی و خدماتی و اداری انجام گرفت، در بخش‌هایی اقدام به مقایسه تغییرات در چهار ابعاد مورد نظر گرفته شده است. نتایج براساس جدول ۹ نشان داد که میانگین تاثیرات عامل‌ها در ابعاد مختلف به شرح ذیل است. در ابعاد اقتصادی با بیشترین ضریب تاثیر ۶۷ درصد، سپس ابعاد اجتماعی با ضریب پیوندی ۶۳ درصد، اداری و خدماتی با ضریب تاثیر ۶۲ درصد، کالبدی با ۶۱ درصد به ترتیب بیشترین و کم‌ترین تاثیر در پیوند روابط شهر سنندج با روستاهای پیرامونی داشته است. در مجموع نتایج نشان داد که ابعاد مورد مطالعه هر یک دارای ضریب بالای میانگین بوده که نشان از تاثیر گذاری عامل‌های مورد مطالعه بوده است که در عامل اقتصادی بیشترین تاثیر و عامل کالبدی کم‌ترین ضریب تاثیر را داشته‌اند. در میان ابعاد مورد مطالعه بی‌شک ضریب تاثیر در میان‌گویه‌ها یکسان نبوده از این رو نوسانات زمین و مسکن در ابعاد اقتصادی، خدمات آموزشی در ابعاد اداری و خدماتی، مالکیت مسکن (کالبدی) و عدم پایبندی به آداب و سنن (اجتماعی) بیشترین تغییرات را داشته، عامل قیمت زمین روستاهای پیرامونی به تناسب زمین‌های شهری سنندج تغییر قیمت داشته و در بخش اجتماعی و فرهنگی با ورود مهاجرین روستایی، به روستاهای پیرامونی شهر بیشترین درصد تغییرات از نظر وفاداری به آداب و سنن و.. را داشته بدین معنا اینها یک مرتبه تغییر رنگ داده و خود را با محیط و فرهنگ شهری انطباق داده‌اند. در این راستا زنان بیشتر از مردان خود را با محیط شهری انطباق داده‌اند. جدول ۹ مراجعه گردد.

جدول (۱۰) میانگین تاثیرات ابعاد اقتصادی، کالبدی، اجتماعی و فرهنگی و خدماتی و اداری

ابعاد مورد مطالعه	اقتصادی	اجتماعی	کالبدی	اداری-خدماتی
میانگین	۶۷	۶۳	۶۱	۶۲

۶- نتیجه‌گیری و پیشنهادات

تاثیرات ناشی از پیوند روستا-شهری در منطقه مورد مطالعه به اشکال مختلفی از قبیل تحولات کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و فضایی ظهور و بروز یافته است. اما آنچه از برآیند این تغییر و تحولات حائز اهمیت است تاثیرات ناشی از گسترش شهر سنندج و تحولات فضایی آن در تمامی روستاهای پیرامون است. نوآوری موضوع از آن جاست که اولین بار است به صورت علمی روابط بین شهر سنندج با نواحی پیرامونی آن مورد کنکاش قرار می‌گیرد. شکل‌گیری چنین رویداد فضایی شهری در سنندج، نتیجه ناکارآمدی مدیریت شهری طی دهه‌های گذشته است. واقعیت تاریخی فضای توسعه‌ای شهر سنندج گویای این مطلب است که تغییرات فضایی شهری صرفاً در بخش‌های محدود و معدودی از فضای شهری انجام گرفته و شهر خود به خود خارج از مدیریت شهری توسعه پیدا کرده و طی این روند طی سه دهه گذشته بیش از ۱۵ روستا را در خود ادغام کرده است. جالب این

که بافت روستایی هنوز هم با گذشت چندین دهه دارای بافت سنتی و روستایی است. با توسعه فضای شهر به نواحی پیرامونی، زیرساخت‌ها تغییر نکرده بافت روستایی با بافت شهری آمیخته و در این میان حضور پادگان‌های نظامی در اطراف شهر خود مانع توسعه فضایی شهر و ایجاد ارتباط منطقی بین نواحی روستایی با مراکز شهری گردیده است. از نتایج مهم چنین شرایطی این بوده که روستائیان با فروش زمین زراعی به مسکونی نه تنها پایداری شغل اولیه (زراعت) خود را از دست داده بلکه موجب گسترش حاشیه‌نشینی، گسترش فقر، اشتغال ناپایدار، رانت بازی اراضی روستا/شهری، تبدیل اراضی زراعی به زمین‌های بایر جهت ساخت و ساز، در مجموع موجب بهم ریختن بافت فضایی شهر از یک طرف و از هم پاشیدگی بافت فضایی کارکردی روستاها گردیده است. از نظر اقتصادی روستاهای پیرامونی، گرچه قیمت زمین آن‌ها بالا رفته، اما اشتغال پایدار را به همراه نداشته است.

با این وجود نتایج کلی نشان داد، روستاهایی که مسافت کمتری از شهر سنندج دارند، نه تنها قدرت جذب مهاجرین روستایی بیشتر دارند بلکه روستاها مناسبات بیشتری با شهر سنندج داشته و چه بسا عملاً در فضای شهری ادغام شده‌اند (برازن، گریزه و..). نتایج نشان داد میانگین ضریب پیوندی کل ابعاد اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و خدماتی برابر با ۶۳ درصد بوده است. بیشترین ضریب تاثیر در عامل اقتصادی با ضریب ۶۷ درصد، در میان عامل اقتصادی، انحراف از تولیدات فعالیت‌های کشاورزی با ضریب ۷۲ درصد، بیشترین تاثیر در پیوند شهر و روستا را داشته، وجود چنین ضریبی مبین تغییر کاربری اراضی از زراعی به مسکونی و کاهش تولیدات کشاورزی است. شاخص اجتماعی با میانگین ضریب ۶۳ درصد، در میان شاخص اجتماعی، عامل عدم پایداری به آداب و رسوم و سنن با ضریب تغییرات ۷۴ درصد، که نشان از همسویی مهاجرین روستایی و ایجاد پیوند فرهنگی با محیط شهری است. در شاخص کالبدی، عامل چشم انداز روستایی بیشترین ضریب تغییرات با ۶۵ درصد، که مبین ساخت و سازهای شبانه و غیر قانونی سیما و چشم انداز روستا را ناموزون و بدقواره نشان در پیوند با شهر، نشان داده است. در شاخص اداری و خدماتی با میانگین ۶۲ درصد، عامل دسترسی به شبکه‌های ارتباطی مانند خط واحد و.. بیشترین تاثیر در پیوند شهر با روستا را داشته است.

اهمیت بررسی پیوند شهر با روستاهای پیرامون سنندج از آن جهت بوده که شهر سنندج به عنوان مراکز جذب خدمات (تقاضای زیاد تولیدات باغی) و بازار تولیدات کشاورزی از قبیل انتقال مازاد کشاورزی بالاخص محصولات باغی، نیروی کار و عرصه خدمات و کالا به روستاهای پیرامونی است. در مقابل نقش روستاهای پیرامونی بالاخص آن دسته از روستاهایی که نقش خوابگاهی ایفا می‌کنند تعداد آن‌ها ۱۱ آبادی بوده که ۴ آبادی پیرامون شهر به فعالیت‌های کشاورزی در زمینه باغداری انبوه و مدرن اشتغال دارند. تراکم زیاد جمعیت روستایی در این نواحی از یک طرف و کمبود امکانات و خدمات روستایی، در کنار ناکارآمدی مدیریت روستایی موجب گردیده روستائیان

بیشتر به شهر وابسته و از طریق ساخت مسکن های شبانه که صورت غیر قانونی انجام می‌گیرد، فاصله شهر سنندج با روستاهای پیرامونی روز بروز کمتر کنند. در واقع تجربه چند دهه گذشته در زمینه توسعه شهر سنندج نشان می‌دهد ناکارآمدی مدیریتی امری متداول بوده چرا که در گذشته به دلیل توسعه فیزیکی شهر سنندج بیش از ۵ آبادی مانند غفور، حاجی آباد بالا و پائین، قرادیان و.. خود به خود به فضای شهر سنندج الحاق شدند. این الحاق برمبنای برنامه ریزی و طرح جامع شهری نبوده بلکه تقاضای زیاد مسکن، موجب گردید این روستاها در فضای شهری ادغام گردند. پیامد چنین رخ دادهایی این بوده، شهر سنندج جزو پنج شهر حاشیه نشین کشور به نسبت جمعیت آن محسوب گردد (بهرامی، ۱۳۹۰: ۷۶).

جمع‌بندی کلی نشان می‌دهد، پیوند نواحی روستایی با شهر سنندج، در زمینه های مختلف اداری-سیاسی، کالبدی و.. زیاد و گسترده است. هرچند تعاملات و پیوندها از نظر صوری زیاد است اما از نظر ماهیتی و کارکردی، صرف ادغام و توسعه کالبدی روستا مهم نیست، زیرا تغییری در ساختارهای روستاها بوجود نیامده است. پیامدهای چنین توسعه فضایی-مکانی شهر با روستاهای پیرامون، موجب گسترش حاشیه نشینی، آسیب‌های اجتماعی و نهایتاً چشم انداز نامطلوبی از فضای شهر بوجود آمده که چنین وضعیتی به نوبه خود زمینه بحران های اجتماعی و امنیتی را بوجود می‌آورد. بنابراین ضرورت بازشناسی فضای حاکم بر جریان های فضایی در ناحیه مورد مطالعه امری اجتناب ناپذیر است. نتایج پژوهش قدیر فیروزنیا (۱۳۹۳)، سعیدی وهمکاران (۱۳۹۲)، عبدی و همکاران (۱۳۹۵) مطالب فوق را تایید می‌کنند.

پیوند روابط شهر سنندج با نواحی روستایی نتایج زیر را نشان می‌دهد:

- سازمان فضایی شهر سنندج از یک ساختار منسجم و کارآمد مدیریتی برخوردار نیست.
- روابط شهر سنندج با روستاهای پیرامونی خود در واقع یک سو بوده و روستاهای پیرامونی نقش خوابگاهی برای شهر سنندج دارند.
- روستائیان تامین معاش و نیازمندی های روزانه و کارهای اداری خود را در فضای شهر سنندج جستجو می‌کنند.
- چشم انداز کالبدی روستاها متأثر از فضای شهری با این تفاوت دارای بافتی درهم و برهم و بدقوارگی که در چشم انداز آن ها قابل مشاهده است.
- چشم‌انداز روستاهای پیرامونی از نظر شبکه های زیربنایی و تاسیساتی از یک تعادل فضایی برخوردار نیستند.
- از نظر اقتصادی و منابع تولیدی، روستاهای پیرامونی از شرایط یکسانی برخوردار نبوده به طوری که بخش شرقی شهر سنندج که تعداد ۸ روستاهای است دارای اقتصاد خدماتی وابسته به شهر بوده. و روستاهای بخش شمالی شهر سنندج دارای اقتصاد باغداری کارا و فعال است. دلیل آن دسترسی به خاک حاصلخیز و برخورداری از منابع آب سد قشلاق.

- در پایان جهت بهبود روابط شهر با روستاهای پیرامونی موارد پیشنهادی ارائه می‌گردد:
- ۱- اهتمام جدی به مدیریت روستاهای پیرامونی شهر سنندج، از نظر کالبدی به منظور ساماندهی توسعه فضایی- مکانی آن‌ها.
 - ۲- اجرایی کردن طرح هادی و بعضاً طرح بازنگری هادی در روستاهای پیرامونی شهر سنندج با رویکرد روستا/شهری نه صرفاً روستایی.
 - ۳- توجه و اهتمام جدی به مسائل زیست محیطی از قبیل انتقال شبکه فاضلاب، بهسازی جاده‌های و آسفالت کردن کوچه‌های خاکی روستا، تهیه آب سالم آشامیدنی به روستا.
 - ۴- به منظور بالا بردن توان سرمایه‌های اجتماعی از طریق مشارکت روستائیان در امر فعالیت‌های تولیدی و خدماتی، انتقال طرح‌های صنعتی و کارگاه‌های تولیدی کوچک به اطراف روستا، ضرورت اجتناب ناپذیر است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- ۱- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی (۱۳۹۱) طرح توسعه فضایی منظومه‌های روستایی کشور، معاونت عمران روستایی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
- ۲- پاپلی یزدی، محمد حسین و امیر ابراهیمی، محمد (۱۳۸۱) نظریه‌های توسعه روستایی، انتشارات سمت، تهران.
- ۳- پوراحمد، احمد؛ فرهودی، رحمت اله؛ زیاری، کرامت اله؛ سلیمانی، محمد و فرجی ملایی امین (۱۳۹۲) بررسی الگوی توسعه متعادل منطقه‌ای با تاکید بر روابط شهر و روستا، فصلنامه جغرافیا (انجمن جغرافیدانان ایران) دوره جدید، سال یازدهم، شماره ۳۹: ص: ۵۳-۷۸.
- ۴- تقیلو علی اکبر، عبدالمهدی عبدالله (۱۳۹۲) توسعه کشاورزی با تاکید بر مناسبات شهر و روستا مطالعه مورد استان آذربایجان غربی، مجله اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال دوم شماره ۱ ص: ۲۹-۵۰.
- ۵- تقی‌زاده فاطمه (۱۳۷۶) الگویی برای ساماندهی روستاهای استان فارس، فصلنامه پویش شیراز، سازمان برنامه و بودجه استان فارس، شماره ۳ (۶): ۴۵-۵۸.
- ۶- دیوسالار اسداله، امیرانتخابی شهرام و دیوسالار حمیدرضا (۱۳۸۹) نقش شهرهای کوچک در توسعه روستاهای پیرامونی (مورد مطالعه شهر چمستان، دهستان نائل رستاق)، فصلنامه مدیریت شهری دوره ۲ شماره ۱ ص: ۷۴-۵۷.
- ۷- راندینلی دنیس (۱۳۶۴) رشد شهرها و توسعه کشاورزی، ترجمه رشید اصلانی، انتشارات وزارت برنامه و بودجه دفتر برنامه‌ریزی منطقه‌ای چاپ اول، تهران.
- ۸- زیاری کرامت الله، عباسی مهدی (۱۳۹۶) بررسی نقش و عملکرد شهر قورچی باشی به عنوان مدلی از UFRD در توسعه روستاهای پیرامونی (مطالعه موردی دهستان چهارچشمه)، مطالعات محیطی هفت حصار، شماره ۲۱، سال ششم، ص: ۷۱-۸۲.
- ۹- سعیدی، عباس (۱۳۹۱) پویش ساختاری- کارکردی: رویکردی بدیل در برنامه‌ریزی فضایی، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، دوره ۱ شماره ۱. ص: ۱۸-۱.
- ۱۰- سعیدی عباس، مکانیکی جواد (۱۳۸۷) دگر گونی روابط شهر با تاکید بر فعالیت‌های اقتصادی، جغرافیا نشریه علمی پژوهشی انجمن جغرافیدانان ایران، سال ششم، شماره ۱۷. ص: ۷۱-۹۰.
- ۱۱- سبزیان سعید (۱۳۷۴) مهاجرت‌های روستایی، پایان نامه دوره دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی دکتر حسن سرایی

- ۱۲- شریفی‌نیا زهرا و محمدرضا نورا(۱۳۸۹) بررسی نقش شهرهای کوچک در توسعه روستایی با استفاده از روش تحلیل شبکه، فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال سوم، شماره ۱، گرمسار.
- ۱۳- شکوئی حسین(۱۳۸۲) دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، انتشارات سمت. تهران.
- ۱۴- شمس‌الدینی علی و همکاران(۱۳۹۰) تحلیلی جغرافیایی بر جریان‌های متقابل روستایی-شهری مطالعه موردی مرودشت و روستاهای پیرامونی، فصلنامه آمایش محیط، شماره ۱۲، ص: ۷۹-۹۹.
- ۱۵- صحنه بهمن، سادین حسین و نشاط عبدالحمید (۱۳۹۶) اثرات روابط شهر و روستا بر تحولات اقتصادی و اجتماعی روستاهای شهرستان آزادشهر، فصلنامه اقتصادفضا و توسعه روستایی، سال ششم، شماره ۳، ص: ۱۲۸-۱۲۱.
- ۱۶- صرامی حسین(۱۳۸۴) مرکز-پیرامون و رابطه شهر و روستا، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۷۷ انتشارات آستان قدس رضوی، ص: ۱۱۲-۱۰۰
- ۱۷- ضرابی اصغر، میرنجف موسوی(۱۳۸۸) بررسی کارکرد شهرهای کوچک در نظام شهری و توسعه منطقه ای مطالعه موردی استان یزد مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی اصفهان، شماره ۲، ص: ۱۸-۱
- ۱۸- صرافی مظفر(۱۳۷۹) مبانی برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، مرکز مدارک علمی و انتشارات، چاپ دوم تهران.
- ۱۹- عبدی ناصح و همکاران(۱۳۹۵) تاثیر مولفه‌های انسانی بر پراکنش افقی شهر سنندج با تاکید بر اسکان غیر رسمی و روستاهای پیراشهری، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، دوره ۷، شماره ۳، ص: ۵۸۰-۵۶۵.
- ۲۰- علی اکبری اسمعیل، طالبی مژگین و عمالدین عذرا(۱۳۹۶) الگوی توسعه کالبدی یکپارچه شهر و پیرامون با استفاده از ظرفیت‌های گردشگری مناطق پیراشهری، مجله برنامه‌ریزی توسعه کالبدی، سال دوم، شماره ۱، ص: ۷۰-۵۵.
- ۲۱- فرید یدالله(۱۳۷۳) جغرافیا و شهر شناسی، چاپ اول انتشارات دانشگاه تبریز.
- ۲۲- فیروزنیا قدیر، موسی کاظمی مهدی، صادقی طاهر اعظم (۱۳۹۰) مطالعه تاثیر ادغام روستا در شهر نمونه: روستاهای ادغامی در شهر کاشان، مجله جغرافیا و توسعه، شماره ۲۵، ص: ۹۶-۷۶.
- ۲۳- قادمریزی حامد (۱۳۸۸) تحولات ساختاری-کارکردی روستاهای حریم شهر سنندج در فرایند گسترش فضایی شهر، رساله دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

- ۲۴- قنبری نوذر (۱۳۹۶) تحلیل روابط فضایی شهرهای کوچک و روستاهای پیرامونی مورد گهواره استان کرمانشاه، نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال هشتم، شماره سوم، ص: ۲۳-۳۷.
- ۲۵- کمانرودی کجوری موسی، عزیزپور فرهاد (۱۳۹۳) پراکنده رویی شهر شیراز و تغییرات اقتصادی و اجتماعی و کالبدی روستاهای پیرامون مورد روستاهای گویم، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال سئم شماره ۳: ۴۱-۶۲.
- ۲۶- معیدی فر سعید، اکبری صادق (۱۳۸۶) مناسبات روستا با شهر و اثرات توسعه ای آن مطالعه موردی شهرستان ساوجبلاغ، نشریه علوم جغرافیایی، ج ۶، ش ۸-۹، ص: ۷۶-۹۶.
- ۲۷- محمدی یگانه بهروز، حسین‌زاده اکبر (۱۳۹۲) نقش عملکردی روستا -شهرها در توسعه روستاهای پیرامونی مورد مطالعه: شهر زرین‌رود، شهرستان خدابنده، فصلنامه برنامه ریزی منطقه ای، سال سوم شماره ۱۱ ص: ۵۵-۶۴.
- ۲۸- منشی زاده رحمت الله، صادقی مظفر (۱۳۸۹) تحولات فضایی روستاهای پیرامون شهر با تاکید بر تعامل شهر و روستا مورد نورآباد ممسنی، مجله چشم انداز جغرافیایی، سال پنجم شماره ۱۲، ص: ۱۱۷-۱۳۷.
- 29- Heike Mayer, Antoine Habersetzer and Rahel Meili (2016) Rural-Urban Linkages and Sustainable Regional Development: The Role of Entrepreneurs in Linking Peripheries and Centers. **Sustainability**, 8 (8): 1-13.
- 30- Kassioumis, K., Papa Georgiou, K., Christodoulou, A., Blioumis, V., Stamou, N., & Karameris, A. (2004), Ural development by afforestation in predominantly agricultural areas: issues and challenges from two areas in Greece. **Forest Policy and Economics**, 6: 483 – 496.
- 31- Lynch, K (2005) **Rural-urban Interaction in the Developing World**, Routledge, London and New York, 2005.
- 32- Sule Akkoyunlu (2015) THE POTENTIAL OF RURAL-URBAN LINKAGES FOR SUSTAINABLE DEVELOPMENT AND TRADE. **International Journal of Sustainable Development & World Policy**. 2015 4 (2): 20-40.